

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۷

## بررسی و تحلیل نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول<sup>۱</sup>

سعید عابدینی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

دکتر عزیزالله توکلی کافی‌آباد<sup>۳</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسؤول)

دکتر محمود صادق‌زاده<sup>۴</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

### چکیده

نسخه‌های خطی، میراث فرهنگی ملت‌ها و نشان‌دهنده تلاش مردم یک کشور در گردآوری و حفظ دستاوردهای فکری علمی و تاریخی آن سرزمین هستند. این پژوهش به معرفی نسخه خطی *اصول الفصول فی حصول الوصول*، اثر رضاقلی خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق) اختصاص دارد. این اثر تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. کتاب یک دایرةالمعارف عرفانی است که نویسنده در آن به سیر عرفان از گذشته تا روزگار خود پرداخته است. تاکنون دو نسخه از این کتاب در کتابخانه‌های مجلس و دانشگاه بوعلی همدان معرفی شده است. هدایت این کتاب را در هجده فصل نگاشته و توجه به اصول هجده‌گانه کتاب، اس و اساس تصوف عصر قاجار را

---

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۸

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۴/۱۴

<sup>۲</sup> s.abedini @ iauyazd.ac.ir

<sup>۳</sup> a. a.tavakoli @ iauyazd.ac.ir

<sup>۴</sup> sadegh zadeh @ iauyazd.ac.ir

به نمایش می‌گذارد. مؤلف در ابتدا به معرفی سلسله‌های عرفانی پرداخته و سپس سلسله نعمت‌اللهی و زندگی شاه نعمت‌الله ولی را معرفی کرده است. از دیدگاه ساختار زبانی، هدایت در اثر خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویه زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از این رو از کاربردهای قدیم زبان، بسیار استفاده کرده است. با توجه به اهمیت تاریخی و ادبی این اثر، نویسنده در این پژوهش با روش توصیفی و با کمک منابع کتابخانه‌ای در صدد آن است تا به معرفی نسخه *اصول الفصول* و بررسی و عناصر و مؤلفه‌های سبکی، بیان ویژگی‌های زبانی، ارزش ادبی، دینی و عرفانی و تاریخی آن بپردازد. معرفی این اثر علاوه بر نشان دادن جایگاه ادبی آن در تبیین گستره عرفان و تصوف نیز مؤثر خواهد بود.

## واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، *اصول الفصول فی حصول الوصول*، رضاقلی خان هدایت، قاجاریه، عرفان.

### ۱. مقدمه

نسخ خطی به‌منزله شناسنامه و هویت هر ملت به حساب می‌آیند. برای شناختن آداب و رسوم و فرهنگ و دانستن زبان و اندیشه‌های آن ملت، بهترین منبع، دست‌نوشته‌های به‌جامانده از پیشینیان است. برای برخورداری از این گنجینه ارزشمند و پیشگیری از نابودی آن لازم است این آثار با ژرف‌نگری و دقت و کنجکاوی تصحیح و بررسی و تحلیل شوند.

یکی از آثار ارزشمند عصر قاجار، نسخه خطی *اصول الفصول فی حصول الوصول* است. کتابی مهم و ارزشمند در عرفان و توحید با نثری ساده و مرسل است که با قلم توانمند مورخ و ادیب برجسته دوران قاجار، رضاقلی خان هدایت، به نگارش درآمده است. او مردی دیوانی و درباری بود و نه تنها به سفارت خوارزم برگزیده شد، بلکه مدت مدیدی نیز به للگی و تربیت شاهزادگانی چون مظفرالدین شاه عباس و عباس میرزا (ملک آرا) پرداخت و علاوه بر

آن هجده سال به عنوان اولین مدیر مدرسه دارالفنون برای رشد و تعالی فرهنگ این کشور زحمات بی دریغ متحمل شد» (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴). این کتاب بر هجده اصل بنا نهاده شده است و توجه به اصول هجده گانه کتاب می تواند استخوان بندی تصوف عصر قاجار را به نمایش گذارد و البته اصل هفدهم کتاب به مشرب خاص عرفانی هدایت و تعلق خاطر او به سلسله نعمت‌اللهیه بستگی دارد. نکته دیگر اینکه اصل‌های کتاب هرچه پیش‌تر می‌رود، حجم بیشتری می‌یابد تا آنجا که سه اصل پایانی، بیشتر از نیمی از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. موضوع مهم دیگری که از سخنان هدایت دریافت می‌شود آنکه این اثر حجیم او دربرگیرنده تمام مطالبی است که در «بیان بعضی امور حقه» از آیات، روایات و آثار گذشتگان فراهم آمده و هدایت درباره تک‌تک این موارد به «شرح رشیحی» پرداخته است. به عبارت بهتر، *اصول الفصول* را می‌توان یک **دایرةالمعارف** مهم عرفانی دانست که نه تنها سیر عرفان را از گذشته تا روزگار مؤلف در خود منعکس می‌کند، بلکه به‌طور ویژه برداشت، تلقی و تصور عرفان و تصوف را در عصر قاجار به ما نشان می‌دهد. به بیانی دیگر، هدایت به‌عنوان یکی از نمادهای برجسته فرهیختگی و اندیشمندی که خود سال‌ها علاوه بر امور درباری و دیوانی و مطالعات درازدامن، در مسیر عرفان و تصوف نیز سلوک کرده بود، چکیده و عصاره دریافت خود و تلقی عصر خویش را از عرفان در *اصول الفصول* گرد آورده است. اهمیت این موضوع آنگاه بیشتر رخ می‌نماید که بدانیم کتاب اخیر، آخرین اثر و یادگار هدایت بوده که در نهایت پختگی، به رشته تحریر درآمده است.

در این کتاب، حکایت‌های متنوعی به مناسبت موضوع بیان شده که نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر عرفانی فارسی است. «داستان‌هایی که در آن، اندیشه‌ها و آموزه‌های عرفانی در قالب قصه و داستان طرح می‌شود، داستان عرفانی نامیده می‌شود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۹۶). در این آثار، قصه و داستان ظرف یا پیمانه‌ای برای انتقال معنی و مفهوم است. مشخصه و محتوای اصلی کتاب *اصول الفصول*، عشق به پروردگار و آموزه‌های عرفانی است. در حقیقت

موضوع اصلی این مجموعه را می‌توان با معیار و سنجۀ ادبیات عرفانی و دینی بررسی کرد. پس با نگاهی جامع می‌توان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه خطی نگریست.

### ۱-۱. بیان مسئله

نسخ خطی، نمودها و نمادهای درخشان و باشکوه تمدن و فرهنگ جوامع و ملت‌هاست. در این بین، متون عرفانی را می‌توان یکی از انواع مهم نثر ادبی دانست که در تاریخ زبان و ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. در این نوع نوشته‌ها، علاوه بر جنبه‌های علمی و ادبی، اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه‌های مختلف عرفانی، اجتماعی، تاریخی، دینی، فارسی و... به چشم می‌خورد.

این پژوهش بر آن است تا یکی از متون عرفانی عصر قاجار را به دستداران فرهنگ و ادب تقدیم کند. نثر دوره قاجار متأثر از سبک بازگشت ادبی است. «در زمینه نثر از اواخر کار زندیه، قدم به قدم اصلاحات جزئی و نسبی در سبک نگارش به وجود آمده و نثرنویسی فارسی، به تدریج و تأنی، به سادگی، روانی و پختگی گراییده و تصنع و تکلف تا حدی کمتر شده است» (آرین پور، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۰). پس از رواج سبک هندی در شعر دوره صفوی، کم‌کم شاعران از آن رویگردان شده، به سبک‌های قدیم بازگشتند. «گو اینکه ابتدا به سبک عراقی روی آوردند و اقبال به سبک خراسانی در این بازگشت، بیشتر بود و سپس به سبک خراسانی» (بهار، ۱۳۷۳، ج ۳: ۳۴۸). در این بین، روی آوردن به نثر مسجع و آهنگین به پیروی از سعدی و دیگر نویسندگان برجسته رایج شد. «صوفیان این عهد در ایران و خارج از ایران، اثرهایی در مرتبه‌هایی که غالباً در مرتبه‌های دوم و سوم اهمیت قرار دارند به نظم و نثر پدید آوردند و آیین پیشینیان را در این راه دنبال کردند. هیچ‌یک از این کتاب‌ها و دفترها ارزش آثار عارفان بزرگ گذشته را ندارد. نه از حال و ذوق و فصاحت آنان در اینجا اثری است و نه از عمق فکر و اندیشه پاره‌ای از آن‌ها. بیشتر در آن‌ها به بیان آیین‌ها، سنت‌ها، تعبیرها و اصطلاح‌ها و یا تکرار مطلب‌های گذشتگان با شرح و بیانی که درخور زمان باشد، توجه

شده است. بعضی هم در شرح حال و اثرها و سخنان عارفان پیشین و یا ترجمه احوال مشایخ متأخر است» (صفا، ۱۳۶۸، ج ۵/۱: ۵۱۱). با اینکه در این عصر رگه‌هایی از نثر ساده و مرسل رایج بود، نویسندگان هم به پیروی از شعرا سبک گذشتگان را دنبال کردند و نثرهای مصنوع، متکلف و پیچیده را کم‌کم کنار گذاشتند. این تحول در نثر، آهسته تر از تحول در شعر رخ داد و اثر خود را در اواخر دوره قاجار و ظهور نثر جدید فارسی زمان مشروطه گذاشت.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول، از یک سو به دلیل بیان موضوعات عرفانی عصر قاجار و وجاهت علمی مؤلف که از مورخان و ادیبان برجسته دوران قاجار بوده، اهمیتی ویژه دارد و از دیگر سو، به دلیل تنوع مطالب، اعم از مسائل عرفانی، حکمی و تفسیر آیات و احادیث، مجموعه‌ای منتخب و گزیده آثار عرفانی روزگار خود را نیز به دست می‌دهد که با زبانی ساده و روشن و به دور از غموض و ابهام، شایان عنایت و تعمق است. به معرفی و بررسی این اثر به جز مقاله‌ای کوتاه از محمدابراهیم ایرج‌پور (۱۳۸۷) با عنوان «اصول الفصول، دانشنامه‌ای گمنام در تحقیقات عرفانی» و رساله دکتری از همین نویسنده (۱۳۸۷) با عنوان تصحیح، تحشیه و مقدمه‌ای بر اصل شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول، پژوهش دیگری اختصاص نیافته است.

اصول الفصول یک دایرةالمعارف عرفانی است که دو نسخه خطی از آن موجود است. یکی در کتابخانه مجلس شورای ملی که پیش‌تر شناخته شده بود و نسخه دیگر که به‌تازگی با انتشار فهرست نسخ خطی دانشگاه بوعلی سینا همدان در این دانشگاه یافته شد. روش پژوهش حاضر به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و بر پایه نسخه مجلس و شواهد مستخرج از آن و نیز کتب رجال و تذکره‌های هم‌عصر مؤلف بوده و در ارجاعات درون‌متنی، به ذکر شماره صفحه نسخه اکتفا شده است. مصطفی درایتی در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) نسخه خطی اصول الفصول را در شمار نسخه‌های خطی موجود در ایران نام برده است

(درایتی، ۱۳۸۸: ۱۱۰۶).

## ۲. معرفی مؤلف و آثارش

### ۲-۱. زندگی‌نامه مؤلف

رضاقلی خان، معروف به لله‌باشی، متخلص به هدایت در شب پانزدهم محرم سال ۱۲۱۵ در تهران چشم به جهان گشود (هدایت، بی تا: ۶۰۱). پدرش از خاندان‌های اصیل و گرامی قریه چادره کلاته نزدیک دامغان بود و در ملازمت جعفرقلی خان قاجار به سر می برد. پس از مرگ جعفرقلی خان در سال مرگ خاقان کبیر به زیارت کربلا رفت و در آغاز به تخت نشستن فتحعلی شاه به خدمت او درآمد (مخبرالسلطنه، ۱۳۴۴: مقدمه ۲۸). در سال ۱۲۱۵ که هدایت به دنیا آمد، در سفر خراسان بود و چون خبر ولادت فرزندش را شنید، نام رضاقلی را برای او انتخاب کرد. در سال ۱۲۱۷ صاحب جمع کل دیوان فارس شد و ملازمت شاهزاده حسینعلی میرزا، فرمانروای فارس یافت. در سال ۱۲۱۸ درگذشت و جسدش به نجف اشرف انتقال یافت (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۳۵).

هدایت در خدمت محمدمهدی خان، متخلص به شحنه به تحصیل پرداخت و در آغاز جوانی به ملازمت شاهزاده فرمانفرما و فرزندان او درآمد و از محبت و حمایت و نوازش ایشان و شجاع السلطنه برخوردار بود. از سن صغر به سرودن شعر پرداخت (هدایت، ۱۳۳۶: ج ۶، ۱۲۰۹). هنگامی که فتحعلی شاه به شیراز رفت، مورد التفات شاه قرار گرفت و چنان که خود نوشته، به جای فتحعلی خان صبا که رحلت کرده بود، سمت ملک الشعرايي یافت. هنگام بازگشت فتحعلی شاه، هدایت بیمار شد و از التزام رکاب محروم گردید. بعد از مرگ فتحعلی شاه به ندیمی نواب فیروز میرزا منصوب شد. دو سال بعد، فیروز میرزا به حکومت کرمان انتصاب یافت و فریدون میرزا به فرمانفرمایی فارس مأمور گردید. هدایت را به ندیمی خود دعوت کرد و مورد التفات قرار داد (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۲۱۹). در سال ۱۲۵۴ از جانب

فرمانفرمای فارس به تهران فرستاده شد و در پانزدهم رمضان به خانه حاجی میرزا آقاسی صدراعظم، سکونت گرفت و به حضور پادشاه بار یافت و در شمار مقربان و ملتزمان درآمد و تربیت عباس میرزا به عهده او واگذار شد (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۵۱). بعد از درگذشت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ همراه بزرگان و شاهزادگان به استقبال ناصرالدین شاه که از تبریز برای جلوس به تخت سلطنت تهران می آمد، رفت و به خدمت مقرر مأمور شد، ولی به سببی چند، از آن خدمت استعفا کرد و به کنج عزلت افتاد (هدایت، ۱۳۳۶: ج ۶، ۱۲۱۰). پس از چندی باز به خدمت خوانده شد و به سفیری خوارزم مأمور گردید و در پنجم جمادی الثانی ۱۲۶۷ از راه مازندران و استرآباد به خوارزم رفت. پس از بازگشت از این سفر، به ریاست و نظامت مدرسه دارالفنون مفتخر آمد (هدایت، ۱۳۸۰: ج ۱۵، ۸۷۷۰).

## ۲-۲. آثار مؤلف

- مجمع الفصحاح؛ معروف ترین اثر رضاقلی خان هدایت که احوال ۸۶۷ شاعر را از قدیم ترین ایام تا زمان خود جمع کرده است.
- ریاض العارفین؛ مشتمل است بر احوال و آثار ۳۵۴ تن از شعرای عرفا و عرفان شعرا.
- تاریخ روضة الصفای ناصری؛ که رضاقلی خان به امر ناصرالدین شاه به تکمیل آن پرداخت.
- فهرست التواریخ؛ کتابی است در تاریخ که وقایع و حوادث در آن به صورت سال شمار از قرن اول هجری تا سال ۱۲۶۷ ثبت شده است.
- سفارت نامه خوارزم؛ شرح حال وقایع سفر هشت ماه به خوارزم.
- اجل التواریخ؛ کتابی است درباره سلاسل سلطنتی و پادشاهی ایران که به دستور مظفرالدین شاه نوشته شده است.
- مظاهر الانوار؛ خلاصه ای است از معجزات پیامبر اسلام (ص) و شرح حال چهارده معصوم.
- ریاض المحبین؛ کتابی منثور حاوی ابیاتی از مؤلف و دیگر شعرا.
- مدارج البلاغه؛ کتابی در علم بدیع و معرفی صنایع این علم.

- شمس الحقایق؛ برگزیده قصاید و غزلیات مولانا.
- مفتاح الكنوز؛ شرحی بر دشواری‌های اشعار خاقانی.
- گلستان ارم؛ منظومه‌ای در شرح مهرورزی رابعه با بکتاش.
- نژادنامه؛ کتابی به نثر در نسب‌نامه شاهان ایرانی.
- لطایف المعارف؛ رساله‌ای مثنوی با موضوع عرفان، آمیخته به نظم.
- مجمع الاسرار؛ برگزیده آثار شاه نعمت‌الله ولی.
- دلیل السالکین؛ برگزیده آثار شاه نعمت‌الله ولی.
- انیس العاشقین، کتابی بر وزن لیلی و مجنون با موضوع ستایش ائمه و بزرگان دین.
- منهج الهدایه؛ مثنوی در بحر مجتث که از حماسه‌های دینی محسوب می‌شود.
- انوار الولاية؛ مثنوی بر وزن مخزن الاسرار با موضوع ستایش ائمه و بزرگان دین.
- هدایت‌نامه، منظومه‌ای در بحر رمل به پیروی از مثنوی شریف.
- بحر الحقایق، مثنوی بر وزن حدیقه سنایی.
- خرم بهشت؛ مثنوی بر وزن شاهنامه.
- خردنامه مظفری؛ مثنوی با موضوع مدح خداوند و نعت پیامبر (ص).
- دیوان قصاید.
- دیوان غزلیات.
- کلیات اشعار.
- ریاض العاشقین.
- منشآت.
- بیاض امیرالشعرا.
- اصول الفصول فی حصول الوصول.

### ۳. معرفی نسخه‌های خطی اصول الفصول

در این پژوهش، نسخه خطی اصول الفصول کتابخانه مجلس به شماره ۲۱۰۳ به‌علت قدمت،



خوانا بودن، نوع خط و کامل بودن، به عنوان نسخه اساس انتخاب شده است. اصول الفصول شامل دو نسخه در کتابخانه‌های مختلف ایران با مشخصات زیر است:

### ۱-۳. نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان

به شماره ۱۰۷

نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان با عبارت «هُوَ اللَّهُ تَعَالَى» آغاز کرده و سپس عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و در سطر بعدی، اصول الفصول فی حصول الوصول را آورده است.

آغاز: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَشَّحَ مِنْ سَبَّحَاتِ أَمْرِهِ أَمْطَارَ رَحْمَةٍ...

انجام: از وی اصغا نموده بودند ما را القا نمودند.

نسخه خطی اصول الفصول به شماره ۱۰۷ در کتابخانه بوعلی نگهداری می‌شود. در خصوص مشخصات این نسخه چنین آمده است: «اصول الفصول فی حصول الوصول (عرفان- فارسی) از میرزا رضا قلی بن محمدقلی نوری، امیرالشعرا هدایت (۱۲۸۸)، (الذریعه، ۲۰۰/۲، فهرست منزوی ۱۰۴۳/۲) با خط نستعلیق و عبارت‌های عربی نسخ، شاید به خط مؤلف، عناوین و نشانی‌ها شنگرف، در حاشیه اشعاری افزوده شده است. جلد تیماج قهوه‌ای ضربی، ۲۶۰ برگ، ۲۴ سطر، اندازه ۲۲ در ۱۸ سانتی‌متر» (حسینی اشکوری، ۱۳۸۴: ۵۷).

### ۲-۳. نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول کتابخانه مجلس شورای اسلامی

به شماره ۲۱۰۳

نسخه منحصر به فرد اصول الفصول، از آثار قرن سیزدهم هجری و به خط نسخ خوب و عناوین به رنگ سرخ، در ۲۲ سطر به فارسی است که در بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس به شماره ۲۱۰۳ نگهداری می‌شود. این نسخه با جلد تیماج سرمه‌ای تیره در ۸۲۰ صفحه به طول ۳۳/۵ در ۲۱ سانتی‌متر در قطع وزیری بزرگ، با کاغذ کبریتی آبی مهره‌دار است که توسط حاج مخبر السلطنه به شماره ۲۲۹۲۰، تقدیم کتابخانه مجلس شد. نویسنده، کتاب را با عبارت

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز کرده و سپس عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ...» را آورده است و با عبارت «در ناسخ التواریخ مرقوم است» به پایان رسانده است (نک. نفیسی، ۱۳۴۴: ج ۶، ۹۰).

#### ۴. ساختار نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۱۰۳

هدایت در مقدمه کتاب، هدف خود را از نوشتن *اصول الفصول* بدین گونه بیان می‌کند: «و محرر این اوراق حقایق آثار از صاحبی بزرگوار مأمور شد که در بیان بعضی امور حقّه که به یکدیگر متعلق و مناسب‌اند از اخبار و احادیث حضرت نبوی و ائمه مرتضوی- علیهم‌السلام- و علمای کبار و حکمای بزرگوار و ارباب بینش و اصحاب دانش به شرح رشیحی پردازد و آن مطالب و معارف را اصل و فصلی مرتب سازد. پس به تألیف این رساله پرداخت و به دو ملاحظه، آن را به *اصول الفصول فی حصول الوصول* موسوم ساخت و فی‌الحقیقه این فقیر در میانه ناقل و کاتب خواهد بود نه قائل و صاحب» (مجلس: ۴).

چنان‌که از نام *اصول الفصول* نیز برمی‌آید، بخش‌های مختلف کتاب با «اصل» و «فصل» نام‌گذاری شده است و عنوان‌های دیگری همچون «بدانکه»، «تحقیق» و «مخفی نماند» نیز به چشم می‌خورد. اشعار متن هم با عنوان‌هایی چون «رباعی»، «شعر»، «نظم»، «مثنوی» و اشعار عربی به صورت «عربیه» مشخص شده‌اند. هدایت پیش از اشعار خود که در کتاب گنجانده، عنوان «لمؤلفه» را طبق معمول گذشتگان و دیگر آثارش قرار می‌دهد. ترکیب و ترتیب کتاب *حدائق الانوار* به قرار زیر است:

۱. اصل اول: در شرافت علم و فضل عالم (همان: ۴).
۲. اصل دوم: در بیان وجوب علم (همان: ۹).
۳. اصل سوم: در بیان روح (همان: ۱۴).

۴. اصل چهارم: در بیان مراتب عقل (همان: ۲۴).
  ۵. اصل پنجم: در بیان حکمت علمی و عملی (همان: ۳۵).
  ۶. اصل ششم: در بیان کمال و نقص نفس (همان: ۴۴).
  ۷. اصل هفتم: در ذکر آثار دنیا و آخرت (همان: ۵۶).
  ۸. اصل هشتم: در بیان حقیقت مرگ و بقای نفس (همان: ۶۴).
  ۹. اصل نهم: در تذکر و تفکر که افضل عبادات است (همان: ۶۸).
  ۱۰. اصل دهم: در تحقیق صوفی و عارف (همان: ۸۲).
  ۱۱. اصل یازدهم: در بیان مجملی از نبوت و شریعت و حقیقت (همان: ۱۳۰).
  ۱۲. اصل دوازدهم: در نبوت و امامت و ولایت (همان: ۱۵۰).
  ۱۳. اصل سیزدهم: پس از رحلت حضرت رسول الله (ص) (همان: ۲۰۹).
  ۱۴. اصل چهاردهم: در تحقیق مراد و مرید و جذب و سلوک (همان: ۲۴۴).
  ۱۵. اصل پانزدهم: در تحقیق بعضی عبارات و مصطلحات این طبقه (همان: ۳۱۸).
  ۱۶. اصل شانزدهم: در بیان علوم طریقت و انتساب حقیقت و مصدر و منشأ هر سلسله از آن سلاسل به یکی از حضرات ائمه اثناعشر<sup>(ع)</sup> (همان: ۴۴۹).
  ۱۷. اصل هفدهم: در بیان اجرای شعبه سلسله علیّه نعمت‌اللهیه به واسطه... سید بزرگوار برهان‌الدین خلیل‌الله... به ولایت هندوستان عموماً و حیدرآباد دکن خصوصاً (همان: ۵۴۷).
  ۱۸. اصل هجدهم: در ذکر حال فرخنده‌مآل جناب قطب‌السالکین فخر‌المحققین حاج محمدحسین شیخ‌زین‌الدین- طاب‌ثراه- و اصحاب اطیاب آن جناب (همان: ۶۴۶).
- توجه به اصول هجده‌گانه کتاب می‌تواند استخوان‌بندی تصوف عصر قاجار را به نمایش گذارد و در اصل هفدهم کتاب است که می‌توان به مشرب خاص عرفانی هدایت و تعلق خاطر او به سلسله نعمت‌اللهیه پی برد. نکته دیگر اینکه اصل‌های کتاب هرچه پیش‌تر می‌رود، حجم بیشتری می‌یابد تا آنجا که سه اصل پایانی بیشتر از نیمی از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد.

محتوای اصول کتاب نه تنها از لحاظ کمیت بلکه از لحاظ کیفیت نیز متفاوت است. در برخی اصول، هدایت بیشتر از آثار دیگران استفاده می‌کند و عین عبارات آن‌ها را نقل می‌کند؛ مانند اصل چهاردهم و پانزدهم که طبیعتاً مؤلف، نقش کمتری در شکل‌گیری آن‌ها دارد. اصل چهاردهم این گونه آغاز شده است: فخر الکاملین والواصلین صاحب مراحل السالکین فرموده است، قال الله تعالی «فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْتَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا» بدانکه ارادت دولت بزرگی است و تخم جمله سعادت‌هاست... (مجلس: ۲۴۴).

گاه هم عبارت‌های کوتاه از نوشته این و آن را با آیات و احادیث درمی‌آمیزد، نتیجه‌گیری می‌کند، حتی به نقد و رد آن‌ها می‌پردازد و بدین گونه هدایت، نشان پررنگ‌تری از خود در این اصل‌ها به جا می‌گذارد؛ مانند اصل هفتم و نهم. مثال:

«اما ذکر دو گونه باشد: یکی فکر و نظر و آن رأس همه عبادات است و اصل همه طاعات است و سکوت نفس و طمأنینه دل در آن. چنانکه حق تعالی فرموده که «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» و این آن واجب است که بنده از همه واجبات و تکالیف خالی بود در وقتی دون. وقتی و از وجوب این خالی باشد، یعنی از ذکر و نظر چنانکه فرموده: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ» (مجلس: ۶۹).

گاه نیز جنبه تاریخی آن غالب می‌آید و برخی اصل‌ها مثل اصل یازدهم و سیزدهم به روایت تاریخ و مرور ایام گذشته اختصاص می‌یابد. برای مثال اصل سیزدهم این گونه آغاز می‌شود: «پس از رحلت رسول و شهادت جناب امام همام، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حضرت حجت‌الحق امام حسن مجتبی صاحب مرتبه امامت و ولایت بود و چنانکه حضرت رسول خبر داده بود، با معاویه به بعضی شروط مصالحه فرمود. چه حضرت جدّ امجدش، فرموده بود که من عقل و هیبت خود را به حسن دادم» (مجلس: ۲۰۹).

در این میان، سه اصل پایانی کتاب از اهمیت بیشتری برخوردار است. در اصل شانزدهم،

ابتدا مقدمه‌ای مختصر درباره انتساب تمامی رشته‌های تصوف جز نقشبندیه به حضرت علی<sup>(ع)</sup> دارد، سپس به معرفی و توضیح در مورد سلاسل عرفانی همچون کبرویه و توضیح درباره مریدان بنام شیخ نجم‌الدین کبری، نوربخشیه، سهروردیه، صفویه، بکتاشیه، مولویه، رفاعیه و نقشبندیه می‌پردازد و پس از آن با تفصیل بیشتری سلسله نعمت‌اللهی، زندگی شاه نعمت‌الله ولی و مریدان بنام ایشان را معرفی و بازشناسی می‌کند. این اصل به دلیل شناخت سلاسل عرفانی و چگونگی اتصال و انتساب آن‌ها به ائمه معصومین و در نهایت، مولی‌الموحدین علی<sup>(ع)</sup> از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در بیان علوم طریقت و انتساب حقیقت و مصدر و منشأ هر سلسله از آن سلاسل به یکی از حضرات ائمه اثنی عشر صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بر اهل صورت و معنی مشهود باد که مأخذ و منشأ تمامی علوم ظاهر و باطن حضرت علی ابن ابی طالب علیه‌السلام بوده و می‌باشد (مجلس: ۴۴۹).

از میان دیگر اصل‌های اصول الفصول، اصول هفدهم و هجدهم بیشترین اهمیت و حجم را دارند و هدایت در این دو اصل به معرفی زندگی و آثار عارفان بزرگ معاصر پرداخته است. همچنین در این دو اصل، می‌توان اطلاعات ناب و دست‌اولی از عرفان و عرفای قاجار به دست آورد و از ویژگی‌های قابل ذکر دیگر اصول الفصول به‌خصوص در اصل‌های هفدهم و هجدهم آن است که هدایت پس از معرفی هر عارف برجسته و بزرگ، گزیده‌ای از آثار یا شعر آن عارف را در کتاب خود گنجانده است. اصل هجدهم این‌گونه آغاز شده است: «در ذکر حال فرخنده‌مال جناب قطب‌السالکین فخر‌المحققین حاج محمدحسین شیخ زین‌الدین - طاب ثراه - و اصحاب اطیاب آن جناب. اصل آن جناب از شهر تبریز و آبا و اجدادش همه فضلا و علما و مشایخ عالی‌مقدار بوده‌اند که یکی از آن‌ها شیخ زین‌الدین نام داشته در شهر اصفهان سکونت گزیده و به تحصیل علوم مشغول گردید» (مجلس: ۶۴۶).

## ۵. ویژگی‌های نگارشی و رسم‌الخطی اصول الفصول

برخی ویژگی‌های نگارشی نسخه مورد بحث عبارت‌اند از:

- ۱-۵. در کتاب *اصول الفصول*، هیچ‌گونه علامت نگارشی مشاهده نمی‌شود.
- ۲-۵. آیات قرآنی و عبارات و ابیات عربی مشکول هستند و نویسنده در نگارش آن‌ها دقت کافی داشته است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (مجلس: ۳).
- ۳-۵. در این نسخه، چنان‌که معمول کاتبان این دوره است، حرف «گ» با یک سر کج به صورت «ک» نوشته شده است: چه شایقان که طالب دریافت آن کنج گردیده‌اند وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي آن در بسته را کشود (همان: ۱).
- ۴-۵. حرف «ت» در انتهای کلمات عربی در اکثر موارد به صورت «تای» گرد کتابت شده است: علما اولاد روحانیه‌اند مر انبیا را و منسوب‌اند از جهة ارواح متغذیه (همان: ۶).  
سرمایه نجاه ابدی و سعادت سرمدی است (همان: ۷).  
رخصت در تکلم از جهة ضرورة شبهه معاندین است (همان: ۱۲).  
و در مواردی به صورت «ت» نوشته شده است:  
و حکایت با علما و خردمندان در مزابل که کنایت از مکان کثافت است (همان: ۸).
- ۵-۵. همزه بعد از الف زاید به صورت «ئ» نوشته شده است:  
آدم مسجود جبرائیل مقبول شد و عزازیل مردود آن (همان: ۱).  
- گاهی همزه پایانی «اء» به صورت «آء» نوشته شده است:  
بعد از خلقت ابوالبشر عالم گردانید او را باسماء اشیاء که ملائکه نمی‌دانستند و در آن سؤال جواب نداشتند (همان: ۱۳).
- ۶-۵. گاهی همزه «ئ» به صورت «ء» نوشته شده است:  
و قدر خویش در میان مردم و احتراز از بخل و دناءت بشرط آنکه سودی نشود برنجی (همان: ۵۰).

- ۷-۵. گاهی همزه پایانی «اء» بدون همزه پایانی به صورت «ا» نوشته شده است:  
علماء اولاد روحانیه اند مر انبیا را و منسوب اند از جهة ارواح متغذیه (همان: ۶).  
چون ثابت شد که علم میراث انبیا است پس می باید علم را از مستحفظان شوارع... (همان: ۷).
- ۸-۵. گاهی همزه پایانی «اء» بدون همزه پایانی به صورت «ء» نوشته شده است:  
و اما قوه دیگر که در انسان است قوه قابلیت فیض از مبدء المبادیست (همان: ۶۶۴).
- ۹-۵. کلمات مختوم به الف ممدود در حالت اضافه و وصف گاهی با همزه و گاه بدون همزه، گاه با «ی» و گاهی بدون «ی» نوشته شده است:  
هادیان سبل یعنی طبقات رسل و انبیای معظم و اوصیای مکرم علی نبینا و آله و علیهم سلم خاصه بر خاصه بنی آدم و خلاصه هر دو عالم (همان: ۲).
- ۱۰-۵. مصوت آغازین «است» گاهی حذف شده است:  
هر نقش که بر صفحه هستی پیدا است آن صورت آن کس است کان نقش آراست (همان: ۲)
- ۱۱-۵. «ی» وحدت و نکره در رسم الخط این کتاب به شکل «ء» آمده است:  
نسبت می دهند خود را بفقہ در عصر ما تا بمرتبہ که می گردانند چیزی را از علوم که اخذ کرده اند (همان: ۱۲۶).
- ۱۲-۵. «ی» نکره و اضافه و نیز شناسه «ای» جانشین فعل ربطی در کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ به صورت همزه آمده و گاهی ذکر نشده است:  
اما مجادله کلام و تعمق در فتاوی که استنباط می شوند (همان: ۱۲).
- ۱۳-۵. جدانویسی «ن» نفی از فعل بعد از خود  
و علاج را در مرض مزمن و علت متمکن او تأثیری صورت نه بندد (همان: ۴۹).
- ۱۴-۵. «های» بیان حرکت پیش از نشانه جمع «ها» حذف شده است.  
و همچنین میانه صوفیه سنی و شیعه و ملحد می باشند و چنانچه سلسله شیعه در میان این

امت از سلسله‌های دیگر ممتاز بوده‌اند (همان: ۹۳).

هرکه چهل صباح اعمال خود را از برای خدا خالص گرداند حق تعالی چشمهای حکمت از دل او بر زبان او جاری گرداند (همان: ۹۴).

۱۵-۵. گاهی «ها»ی بیان حرکت به رسم الخط قدیم نوشته شده است:

و اشارت بقبر کردم فرمودند بلی داخل شو چون که داخل شدم ایستادم (همان: ۱۰۰).

نبض خود را به یکی از طلبه نشان داد که بین تب دارم؟ گفت بلی تب داری (همان: ۶۵۵).

۱۶-۵. گاهی «های» غیرملفوظ هنگام اضافه شدن، پسوند مستقل نوشته می‌شود و تبدیل

به «گ» نمی‌شود. مواردی مانند:

پرده بر پرده چیست کان خورشید غیر پیرده‌گی ندارد کار

(همان: ۲)

تحصیل کردن چیزی را که اینمعنی در تازگی بهم رسیده (همان: ۱۱).

۱۷-۵. حرف اضافه «به» در همه موارد به کلمات بعدی پیوسته است:

بر ارباب دانش و اصحاب بینش روشن و لایح و پیدا و واضح است که جهانی بدین

بزرگی و انتظام و افلاک و کواکبی بدین علو و احتشام بیازیچه خلقت نیافته (همان: ۳).

۱۸-۵. پیشوند فعلی «به» گاهی جدا و گاهی پیوسته از فعل نوشته شده است:

و علاج را در مرض مزمن و علت متمکن او تأثیری صورت نه بندد (همان: ۵۰).

۱۹-۵. کاتب به سرهم‌نویسی و یا جدانویسی اجزای کلمات مقید نبوده و حتی گاه دو

کلمه جدا را پیوسته نوشته است:

در صورتیکه صدرنشین مسند لولاک که غایت خلقت عالم و افلاک است (همان: ۲).

اضافه شدن «یک» به کلمه بعد از خود:

و تصرفات جذبات عنایت و فیض الوهیت متواتر گردد دل را بیکسعاعت چنان تزکیه نفس

حاصل شود (همان: ۱۹).



۲۰-۵. «می» استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است:  
و اینمعنی خود مشهور و مسلم جمهور است که می فرماید... (همان: ۴)  
و عالم جبروت بر او نازل می شوند و از طریق خضوع و تذلل درمی آیند (همان: ۶).  
۲۱-۵. مصوت آغازین ضمائر اشاره این و آن پس از حرف اضافه و ربط حذف شده  
است: «از این»، «از آن» و «بر این» و «بر آن» همه جا به صورت «ازین» و «ازان» و «برین» و  
«بران» نوشته شده است:

گر کند میل این شود کم ازین      و ر کند میل آن شود به از آن

(همان: ۵۱)

و عبارت ازین سه نفس در قران مجید بنفس اماره... (همان: ۵۱).  
۲۲-۵. واژه «دوم» و «سوم» در اکثر موارد به صورت «دویم» و «سیم» نوشته شده است:  
دویم آنانند که علم باطن دارند و بس و ایشان مانند ستاره که روشنایی او از حوالی خود  
تجاوز نکند ... سیم آنانند که هم علم ظاهر دانند و هم علم باطن (همان: ۱۴).  
نفس اماره را دید بر مثال ازدهائی هفت سر یکی حرص دویم حسد سیم شهوت (همان: ۱۶).  
۲۳-۵. گاهی به جای «گ»، «ج» نوشته شده است:  
جناب میر سید شریف جرجانی که در شیراز بود به استقبال سید با جمعی علما و مشایخ  
تقدم جسته (همان: ۴۹۷).

۲۴-۵. صفت اشاره به کلمه بعد، متصل نوشته شده است:

کسی را نرسد که سخنی در اینمعنی گوید (همان: ۲).

که در آنجا غذای مناسب آنمکان یابد و او را علوم و شناختی باشد لایق آنمقام (همان: ۱۹).

۲۵-۵. مصوت بلند «ا» در پایان واژه‌ها، گاهی به صورت «آ» آمده است:

از کتب منزله و اخبار انبیاء معلوم می شود که (همان: ۵۹).

۲۶-۵. بعضی واژه‌ها با رسم الخط قدیمی نوشته شده است:

که آن علم فقه است که مشتمل است بر کیفیت طهارت و صلوة و صوم و زکوة و غیر اینها (همان: ۹).

۲۷-۵. بعضی واژه‌ها با «ط» ترکی و عربی نوشته شده است:

لهذا آن فاضل یگانه از دارالملک طهران بصوب بغداد شتافت (همان: ۶۵۷).

۲۸-۵. واژه‌هایی همچون داوود و طاووس و... با یک واو نوشته می‌شود.

در اخبار آمده که حضرت داود علیهماالسلام (همان: ۴).

۲۹-۵. گاهی «ث» به جای «س» به کار رفته است:

چنانکه حکیم ثنایی گفته... (همان: ۵).

۳۰-۵. در بیشتر مواردی که نسخه همدان کلمه «خاطر» نوشته، نسخه مجلس «خواطر»

می‌نویسد:

و قلبش می‌گویند از جهة تقلب و در خواطر و عقلش می‌گویند از جهت اکتساب او علوم

را (همان: ۱۵).

و اینمعنی از برای این تحقیق بنخواطر می‌رسد (همان: ۲۷۵).

امروز که سال یک هزار و دویست و هشتاد و هفت است آن بزرگوار بر لوح خواطر

مینگاشت (همان: ۶۵۶).

۳۱-۵. الف مقصوره به رسم الخط زبان عربی نوشته شده است:

در باب آن جناب نگاشته فتوی به قتل او داده (همان: ۶۴۹).

۳۲-۵. کلمه خاستن و مشتقاتش که به معنی بلند شدن و برخاستن است با واو معدوله

نوشته شده است:

نیرنگ وجود نفس برخواست ز دل      وز سر هوس عشق جمالش نشست

(همان: ۳۰۸)

پس بهوش آمد و برخواست و نشست (همان: ۳۸۶).

## ۶. بررسی ویژگی‌های سبکی

آشنایی با یک اثر، پدیدآورنده آن و دستیابی به جنبه‌های هنری و ادبی و محتوای آن ایجاب می‌کند که آن اثر از سه منظر فکر و زبان و ادبیات بررسی گردد و اقبال و رویکرد نویسنده به هر کدام از این موارد با شواهد برگرفته از دل متن نمایانده شود. «برای آنکه بتوانیم متنی را از لحاظ سبک‌شناسی تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم، باید روشی داشته باشیم؛ یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات دقت کنیم تا بدین وسیله بتوانیم به اجزای متشکله متن اشرافی پیدا کنیم و ساختار متن را با توجه به اجزا با یکدیگر دریابیم» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

نثر هدایت در *اصول الفصول* پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و به سبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگی‌های خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجا که این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب به حدی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، ضرب‌المثل‌ها و اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، اشتقاق و... در کتاب به وفور به چشم می‌خورد؛ که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۶-۱. سطح زبانی

گونه زبان، تلفظ‌ها و صورت‌هایی از واک‌ها، واژه‌ها و ساخت‌های دستوری یک زبان واحد است که در زمان و مکان و به مناسبت‌ها و موقعیت‌های کارکرد زبان، در اجتماع به وجود می‌آید و با گونه معیار، تفاوت‌هایی در صورت، واژه و برخی از ساخت‌های دستوری دارد. با آنکه زمان تألیف *اصول الفصول* مربوط به قرن سیزدهم هجری است و تألیفات و تحقیقات این قرن نیز چون سایر دوره‌های سبکی ادبی ویژگی‌های خاص دارد، در این کتاب نشانه‌های زبانی و سبکی دوره‌های قبل نیز مشهود است. اختصار و ایجاز، رعایت الفاظ

فارسی، ترک لغات دشوار، استفاده از افعال قدیمی و ساختارهای صرفی کهن از این جمله است. بسامد واژگان عرفانی، کلامی، فلسفی، قرآنی و احادیث و آیات فراوان از دیگر ویژگی‌های این کتاب است. بارزترین ویژگی‌های زبانی و نحوی کتاب *اصول الفصول* در دسته‌های زیر قابل مشاهده است:

#### ۶-۱-۱. افعال پیشوندی

شخصی در رسید زمام ناقه بدست گرفته ناقه را بخوابانید و بدوگفت برنشین و او را برنشانند و چون باد از پیش من برفت (همان: ۳۸۵).

#### ۶-۱-۲. بسامد بالای واژگان عربی

کاربرد تعداد واژگان عربی نسبتاً نادر و دشوار که مورد استفاده نویسنده است، نشان از آشنایی او با زبان عربی دارد. استفاده نویسنده از لغات عربی و کاربرد این کلمات در حد نسبتاً بالایی است. تقریباً در همه سطرهای هر برگ، بسامد بالای واژگان عربی مشاهده می‌شود. این استفاده در بعضی از صفحات بیش از هفتاد واژه نیز می‌رسد و می‌توان گفت که زبان این اثر در بسیاری از موارد، همانند سایر نثرهای فنی و مصنوع این دوره از قواعد زبان عربی پیروی می‌کند. از جمله:

ولیکن اصول و قواعد کلیه که از عمومات کتاب و سنت معلوم شود با عدم معارض نص، بخصوصه این‌ها را متبع می‌دانم و تفصیل این امور در مجلد آخر کتاب *بحار الانوار* مذکور است (همان: ۹۴).

#### ۶-۱-۳. جمع مکسر عربی

و صاحب کرامات و خوارق عادات محسوب می‌گشته‌اند (همان: ۶۵۵).

#### ۶-۱-۴. جمع عربی نادرست

و جمعی از ارازل و اشراران دیار بتطمیع مال و اغوای علمای جهالت شعار از خدا شرم نکرده... (همان: ۶۵۷).

### ۶-۱-۵. کاربرد ترکیبات عربی

در فهم اسرار کلمات الهی حکمای وسیع الفهم قویم النظر مستقیم الفکر رمطح البصر و مطرح نظر، همواره بر حقایق کلیه محیطه افراد غیر متناهی و مفهومات غیر حاصره مشغله بر اشخاص غیر محصوده است (همان: ۲۷۵).

### ۶-۱-۶. کاربرد علامت جمع عربی به جای جمع فارسی

زیرا که از صلحا و مقربین غیر از اوصیا نیز کرامت ظاهر می شود (مجلس: ۶۶۰).  
و الا ما که علما و مجتهدین و ائمه این شهریم از این شهر بیرون خواهیم شد (همان: ۷۸۹).

### ۶-۱-۷. کاربرد جمله معترضه

کما قال الشبستری قدس سره (مجلس: ۲۲).  
جناب سید نعمت الله جزایری رحمه الله علیه به این طریق نیز دیده شده (همان: ۱۱۰).

### ۶-۱-۸. کاربرد وجه وصفی به جای فعل

در بعضی اشعار لحصوی تخلص می فرمود والدش به قصد زیارت حضرت علی بن موسی<sup>(ع)</sup> به مشهد مقدس آمده بعد از زیارت در قاین قهستان توطن کرده، متأهل شده، سید در آنجا متولد شده به تحصیل پرداخته (مجلس: ۱۸).  
سهروردی که از مشاهیر مشایخ زمان بود به استقبال آمده از اسب پیاده شده، زانوی بهاءالدین را بوسیده و موزه از پای او کشید (همان: ۲۳).

### ۶-۱-۹. کاربرد «گزاردن»

«گزاردن» در معنای انجام دادن و ادا کردن در ترکیب‌هایی چون نماز گزاردن و خدمت گزاردن، در هر دو نسخه به صورت «گزاردن» نوشته شده است:  
برخی دیگر در نعمت کرامات نظر بر منعم نهند نه بر نعمت و ادای شکر نعمت به دیدار منعم گزارند (مجلس: ۲۲).

### ۶-۲. ویژگی‌های ادبی

نویسنده در *اصول الفصول* توجه کافی به صنایع بدیعی و بلاغت اعم از لفظی و معنوی داشته است؛ اما آنچه بیشتر مورد توجه نویسنده قرار گرفته، استفاده از آرایه تضمین، تضاد و مراعات النظیر است. در ادامه به برخی از این آرایه‌ها اشاره می‌شود.

### ۱-۲-۶. قرینه‌سازی

هدایت در خلال سطور، گاه سجع‌هایی گنجانده است که طبیعی می‌نماید و باعث اخلال در درک متن نمی‌شود؛ مانند:

در خانه متاع و اساسی ندیدند و در بیرون خوف و هراسی نیافتند. نه کسی به رعایت و اعانت برخاست و نه کسی بازار حمایت و اهانت آراست. مردی آرمیده، متوکل به تسلیم و رضا به قضا دیدند و از او خجالت کشیدند. نه سبب پرسید و نه از اسباب ترسید (مجلس: ۱۷۰).  
اولیا را اقتدا به انبیا و پیروان را اتما به پیشواست؛ اگرچه آن تحقیق و این تقلید باشد. چه تمام اعمال امت متابعت و اقتفای صاحب نبوت است و اعمال و افعال پیروان مثال است نه مثل و فرع است نه اصل، تن است نه جان، اما به ملاحظه، دیگر جان بی تن و سرب بی بدن و اثر بی مؤثر و صور بی مصور نخواهد بود (مجلس: ۲۸۷)

### ۲-۲-۶. تضمین المزدوج

و صوفیه که تابع اهل سنتند مردم را منع از تعلم علم می‌کنند (مجلس: ۹۴).  
طریقه صوفیان عظام که حامیان دین مبین بوده‌اند در ذکر و فکر و ریاضت (همان: ۹۴).

### ۳-۲-۶. جناس

- جناس تام  
آن است که دو کلمه در جمله بیاید که در خط و تلفظ یکسان باشند اما دو معنی متفاوت داشته باشند:

اینجا نور جمال صمدی، روح روح گردد (مجلس: ۲۳).

- جناس ناقص

چون سلطان بر چگونگی احوال و فضیلت او مطلع گردید، پایه قدر او را بر ایوان کیوان

رسانیده (همان: ۶۵۷).

#### ۴-۲-۶. واج آرابی

ولایت خاصه مخصوص است بواصلان از اهل سلوک (مجلس: ۱۵۰).

#### ۵-۲-۶. ارسال المثل

و در آنجا گفته که مشاهدات قلبیه وقتی که ندیده است بایات و احادیث، نور علی نور

است (همان: ۱۰۱).

#### ۶-۲-۶. مراعات نظیر

منم صاحب بهشت و دوزخ، بهشتیان را بهشت می‌دهم و دوزخیان را دوزخ، منم

تزویرکننده بهشتیان را بحوریان و عذاب‌کننده دوزخیان را بعذاب (مجلس: ۱۶۵).

#### ۷-۲-۶. تضاد

تضاد یا طباق دو کلمه متضاد در سخن به‌گونه‌ای که سبب زیبایی کلام گردد:

از سطوت آن شراب هستی روی نیستی آورد و از آبادی وجود، روی در خرابی فنا گیرد

(مجلس: ۲۲).

مجملاً باید دانست که در همه امور افراط و تفریط خوب نیست (همان: ۹۵).

ظلم بحقیقت همان است و تابع آن افتاده، رییس را مرووس و مالک را مملوک و خداوند

را بنده گردانیدن که انعکاس خلق (همان: ۵۳).

#### ۸-۲-۶. تلمیح

تلمیح از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار و

گفتار خویش به آیه، حدیث، داستان یا مثل معروفی اشاره داشته باشد:

هروقت که نسیم الطاف حق از مهب عنایت به مشام روح می‌رسد، یعقوب‌وار با دل گرم و

دل سرد گوید... (مجلس: ۲۳).

#### ۱۰-۲-۶. تضمین

در این اثر، آیات و احادیث و بیت‌های عربی و گاهی فارسی در لابه‌لای متن متناسب با موضوع به کار گرفته شده‌اند که البته خود حاکی از سبک نویسنده رساله است:  
 آخر الامر بنا بر سعایت ارباب حسد فی جیدها حبلٌ من مسدٍ، مزاج پادشاهی بر او تغییر یافت (مجلس: ۶۵۷).

#### ۱۱-۲-۶. استشهاد به آیات و احادیث

در کتاب *اصول الفصول* به آیات و احادیث فراوانی از بزرگان دین، استشهاد شده است که در تعلیقات نسخه تصحیح شده، با ذکر نام سوره و شماره آیه درج شده است.  
 «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ» (مجلس: ۱۱).

وارد شده است در حدیث «انَّ اِثْمَ اَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» و نامیده می‌شود علمی که مقصود از آن عمل است (همان: ۱۱).

#### ۱۲-۲-۶. به‌کارگیری اشعار فارسی

هدایت در *اصول الفصول*، اشعار بسیاری با ذکر نام سراینده‌گان آن ذکر کرده باشد. بخش اعظم این اشعار، اشعار منتخبی از حافظ، مولانا، سعدی، سنایی غزنوی، شاه نعمت‌الله ولی و... بوده که به فراخور حال و هوای متن از آن‌ها بهره برده است. این اشعار که از انواع ادبی غنایی، تعلیمی، توصیفی، و عظم و حکمت و عرفان انتخاب شده، از جمله ارزش‌های ادبی اثر محسوب می‌شود که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

اگر لذت ترک لذت بدانی      هزاران در از خلق بر خود ببندی

دگر شهوت نفس، لذت نخوانی      گرت باز باشد دری آسمانی

(مجلس: ۶)

علم کز تو ترا بنستاند      جهل از آن علم به بود صدبار

علم نر آمد و هنر ماده      دین و دولت از این دو شه زاده

(همان: ۴۱)



به نظر می‌رسد نویسنده *اصول الفصول* متن خود را تا آنجا که موضوع کتاب به او امکان داده، به طور متعادل از آرایه‌مند نمودن کلام بهره برده و به شیوه نویسندگان متون عرفانی، نثری شیوا و موزون ارائه داده است.

### ۳-۶. بیان

#### ۱-۳-۶. تشبیه

وجود او را منشأ اختلال رونق بازار خود دیدند دیگ حسد در کانون سینۀ ایشان بجوش آمده، بنیاد عداوت کردند (مجلس: ۶۵۷).

مثل محمد در میانهٔ اهلش مثل نخلی است که در میان کناسه و مزبله باشد (همان: ۱۸۷).

#### ۲-۳-۶. استعاره

مرا به خدمت شیخ عمار یاسر بازگردانید. به وی نوشت که هر چند مس داری بفرست تا من زر خالص ساخته باز پیش تو فرستم (مجلس: ۴۵۵).

#### ۳-۳-۶. کنایه

جنگ قایم شد (مجلس: ۱۷۷)، به معنی جنگ به پا شد.

به مرتبه‌ای رسیدن (همان: ۶۲۱۷۷) به جای به حدی یا به جایی رسیدن.

سراغ کرده (همان: ۲۷۲)، به جای سراغ داشته.

ای بس باز شده‌ها گره خورد و ای بسا گره زده‌ها باز شود (همان: ۷۴) به معنی تغییرات بسیار در همه چیز ایجاد شود.

#### ۴-۳-۶. مجاز

بعد از مراجعه به ایران، سی سال بر سجادهٔ طاعت نشست و در بر بیگانگان بست.

(مجلس: ۵۲۳).

از طبقات اولیا هر که ز بعد مصطفی دید نظیر مرتضی هست ز عین احوالی

(همان: ۵۴۲)

## ۷. نتیجه‌گیری

اصول الفصول فی حصول الوصول نسخه خطی ارزشمند در عرفان و تصوف با نثری ساده و مرسل که با قلم توانمند مورخ و ادیب برجسته دوران قاجار، رضاقلی خان هدایت، به نگارش درآمده است. این کتاب بر هجده اصل بنا نهاده شده است و توجه به اصول هجده گانه کتاب می‌تواند استخوان‌بندی تصوف عصر قاجار را به نمایش گذارد.

موضوع مهم دیگری که از سخنان هدایت دریافت می‌شود آنکه این اثر حجیم او دربرگیرنده تمام مطالبی است که در «بیان بعضی امور حقه» از آیات، روایات و آثار گذشتگان فراهم آمده و هدایت درباره تک‌تک این موارد به «شرح رشیحی» پرداخته است. در این کتاب حکایت‌های متنوعی به مناسبت موضوع، بیان شده که نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر عرفانی فارسی است. مشخصه و محتوای اصلی کتاب *اصول الفصول*، عشق به پروردگار و آموزه‌های عرفانی است. در حقیقت موضوع اصلی این مجموعه را می‌توان با معیار و سنجۀ ادبیات عرفانی و دینی بررسی کرد.

هدایت در این کتاب، در مورد سلاسل عرفانی همچون کبرویه و توضیح درباره مریدان بنام شیخ نجم‌الدین کبری، نوربخشیه، سهروردیه، صفویه، بکتاشیه، مولویه، رفاعیه و نقشبندیه می‌پردازد و پس از آن با تفصیل بیشتری سلسله نعمت‌اللهی، زندگی شاه نعمت‌الله ولی و مریدان بنام ایشان را معرفی و بازشناسی می‌کند. اصل هجدهم کتاب به دلیل شناخت سلاسل عرفانی و چگونگی اتصال و انتساب آن‌ها به ائمه معصومین و نهایتاً مولی‌الموحدین علی<sup>(ع)</sup> از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

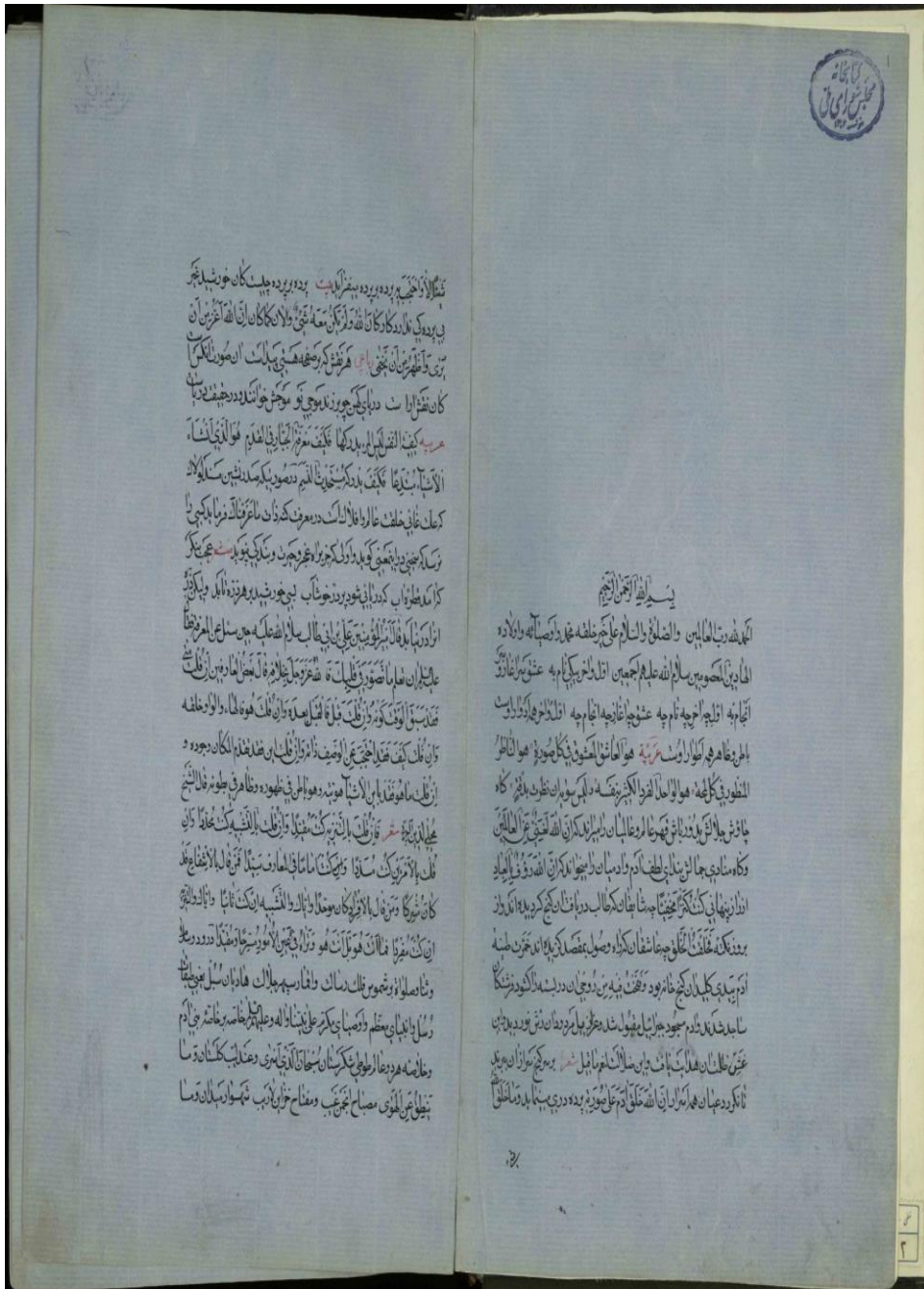
نثر هدایت در *اصول الفصول* پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و به سبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگی‌های خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجا که این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب به حدی است که عربی‌مآبی نویسنده

در اولین صفحات کتاب مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، ضرب‌المثل‌ها و اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، اشتقاق و... در کتاب به وفور به چشم می‌خورد. پس با نگاهی جامع می‌توان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه خطی نگریست. از دیدگاه ساختار زبانی باید گفت نویسنده در رساله خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویه زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از این رو از کاربردهای قدیم زبان، بسیار استفاده کرده است.

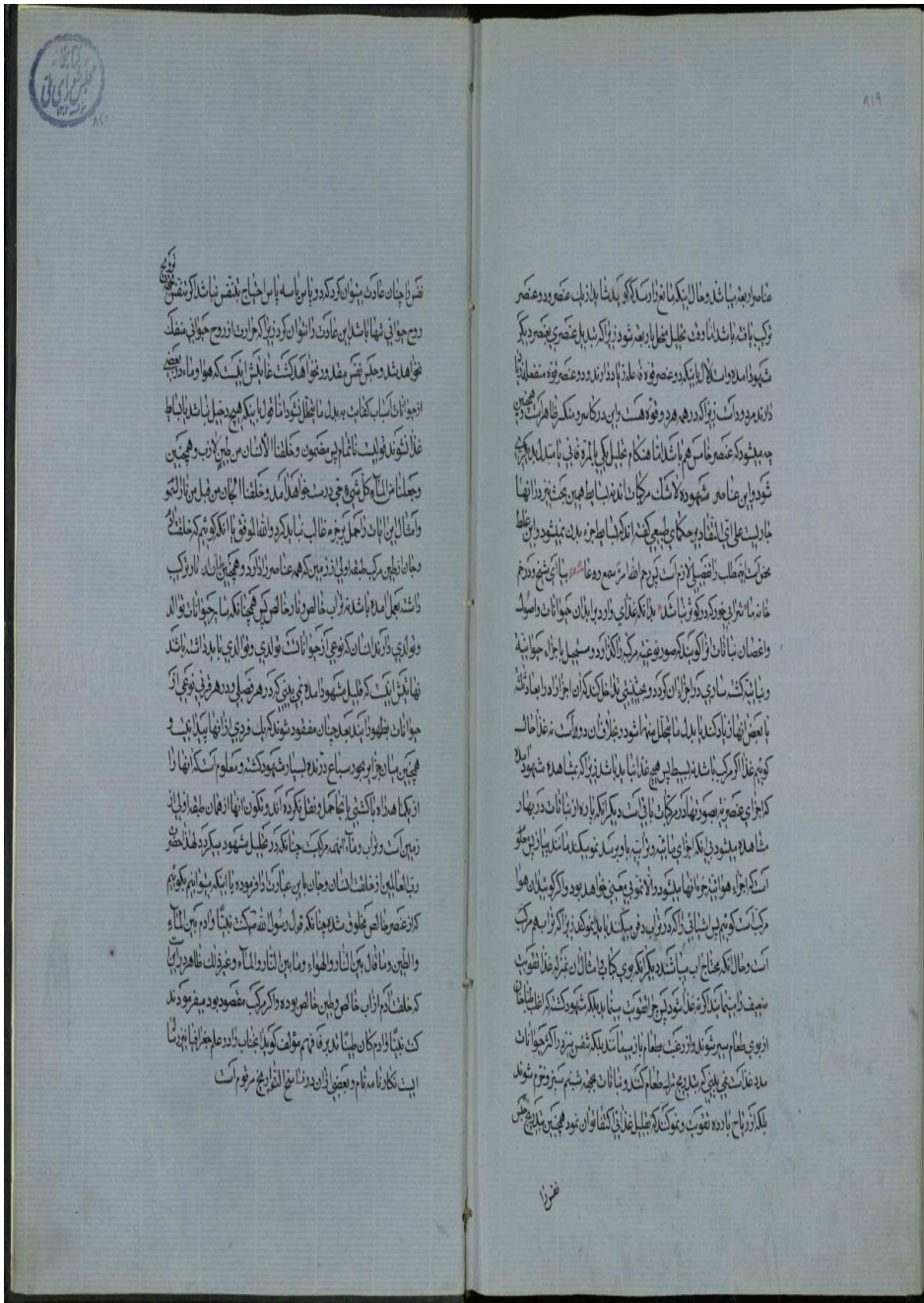
### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲)، از صبا تا نیما، تهران: انتشارات زوآر.
۳. ایرج‌پور، محمدابراهیم (۱۳۸۷)، «تصحیح، تحشیه و مقدمه‌ای بر اصل شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول رضا قلی خان هدایت»، دانشگاه اصفهان، استاد راهنما، دکتر سید مهدی نوریان و استاد مشاور، دکتر محسن محمدی فشارکی.
۴. — (۱۳۸۷)، «اصول الفصول، دانشنامه‌ای گمنام در تحقیقات عرفانی»، نشریه زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، سال ۵۱، ۱۸۱.
۵. بهار، محمدتقی (۱۳۷۳)، سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر.
۶. حسینی اشکوری، احمد (۱۳۸۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.
۷. درایتی، مصطفی (۱۳۸۸)، فهرست نسخه‌های خطی ایران (فخنا)، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
۸. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع نثر فارسی، تهران: سمت.
۹. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوسی.

۱۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوسی.
۱۱. عضدالدوله، احمدخان (۱۳۷۶)، تاریخ عضدی، تصحیح عبدالحسین ندایی، تهران: علم.
۱۲. مخبر السلطنه، هدایت (۱۳۴۴)، خاطرات و خطرات، چ ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
۱۳. نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، چاپخانه مجلس، ج ۶.
۱۴. هاشمیان، احمد (۱۳۷۹)، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران: ناشر مؤسسه جغرافیایی سحاب.
۱۵. هدایت، رضاقلی خان (بی تا)، اصول الفصول فی حصول الوصول، دانشگاه بوعلی سینای همدان، شماره ۱۰۷ ب (خطی).
۱۶. —، اصول الفصول فی حصول الوصول، کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۰۳ (خطی)
۱۷. — (۱۳۷۳)، فهرست التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۸. — (۱۳۸۰)، مجمع الفصحا، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
۱۹. — (۱۳۳۶)، تاریخ روضة الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیافر، تهران: اساطیر.



تصویر صفحه اول اصول الفصول



تصویر صفحه آخر اصول الفصول